

مکتب ورزش در قرائت قرآن کریم*

دکتر رضا فرشچیان
(استادیار دانشگاه شهید با هنر کرمان)
farshchiadeh@mail.uk.ac.ir

دکتر رضا رستمی زاده
(استادیار دانشگاه شهید با هنر کرمان)
rostamizadeh@mail.uk.ac.ir

چکیده: گروهی از مسلمانان - پس از دوره صحابه و تابعین - در فن قرائت قرآن و کارایی این مهارت از شهرت چشمگیری برخوردار شدند تا آن حد که به عنوان افرادی متخصص و ماهر و صاحب نظر در امر قرائت مورد اعتنا قرار گرفتند، چرا که تمام عمر خود را صرف بحث و بررسی مسئله قرائت کردند. از میان این گروه هفت نفر با عنوان «قراء سبعه» دارای معروفیت و حسن شهرت خاصی شدند. یکی از اینان نافع مدنی است که افراد زیادی قرائت وی را نقل کرده اند از میان آنها ورش و قالون شهرت بیشتری دارند.

از آنجا که دانشمندان علم قرائت، ورزش را در قرائت حجت و موثق معرفی کرده اند و قرائت او در غرب دنیای اسلام مورد اهتمام بوده و هست، این مقاله پیگیر آن است که اصول قرائت وی را دریابد و گزینش های ورزش را در مسئله قرائت ارائه دهد.

ویژگی مشهود قرائت ورش، قرائت به تحقیق، تأکید بر اماله و سپس مدّ طویل است، همان گونه که تخفیف همزه نیز در قرائت او به وضوح دیده می شود، بنابراین آنچه قرائت او را از قرائت رایج دنیای اسلام متمایز می کند اهتمام بیشتر به برخی مسائل تجویدی است و نه آنچه به تغییر معنوی و یا حتی لفظی آیه ها و واژگان قرآن کریم منتهی شود، و به جرئت

می‌توان گفت همین ویژگی‌هاست که قرائت او را مورد اهتمام جدی دانشمندان علم قرائت قرار داده است.

کلید واژه‌ها: ورش، مقرر ورش، علم قرائت، اختلاف قرائت، تجوید

مقدمه

عثمان بن سعید مصری (۱۱۰-۱۹۷ ق، مصر) از راویان مشهور قرائت نافع است. ورش ریاست تعلیم قرائت را در زمان خود به عهده داشت و شخصاً صاحب سلیقه و گزینش‌هایی منحصر به خود در قرائت قرآن بوده است. دانشمندان علم قرائت، وی را از ثقات و راویان مورد اعتماد در قرائت تا سرحد «حجت» معرفی کرده‌اند.

از آنجا که مطالعه در قرائت و کارایی آن بدون آگاهی به قراء سبعة و راویان آنان امکان‌پذیر نیست، مطالعه در منهج راویان نیز امری ضروری می‌نماید. در مطالعه مکتب ورش در قرائت طرح سؤالات ذیل و پاسخ به آنها اساس کار قرار گرفته است:

- ورش چگونه شخصیتی بوده و استادان و شاگردانش چه کسانی بوده‌اند و از چه کسانی

در علم قرائت، روایت کرده است؟

- اصول مهم قرائت ورش چیست؟ چه تفاوت‌های مهم و اساسی بین قرائت او و قرائت

عاصم وجود دارد؟

- آیا ورش گزینشی متفاوت از استاد خویش، نافع، ارائه کرده است؟

- آیا بین قرائت ورش و قالون - دیگر راوی نافع - اختلاف دیده می‌شود؟

۱. شخصیت ورش

ابوسعید^۱ عثمان بن سعید^۲ مصری ملقب به ورش^۳ از قراء و ادیبان بنام، در سال ۱۱۰ یا

۱. ابوالقاسم و ابوعمرو، نیز گفته شده (ابن الجزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۲).

۲. سعید بن عبدالله و یا سعید بن عدی، جهت تفصیل نسبت تک همان: ج ۱، ۵۰۳؛ ذمی ۱۴۱۰: ج ۹، ۲۹۵.

۳. ابن الجزری گوید که نافع او را ورشان نامید و آنگاه مخفف و به ورش تبدیل شد (همان: ج ۱، ۵۰۲) ورشان را به فارسی مرغ الهی گویند که همان کیوتر صحرايي است، قمری، کیوتر کوهی، کیوتر دشتی نیز گفته شده است و ورش طعانی است که از شیر سازند و فاخته و قمری نیز گفته شده، نک. لفت‌نامه دهخدا زیر عنوان «ورشان» و «ورش».

۱۱۱ ق در مصر دیده به جهان گشود و به سال ۱۹۷ ق در همان جا از دنیا برفت.^۱ اصل او از قیروان، شهری در تونس^۲ است (زرکلی ۱۹۹۲: ج ۴، ۲۰۵؛ مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۸۸). ابن جزری او را چنین ستوده است: وی بزرگ قاریان اهل تحقیق و پیشگام قراء برجسته است.^۳ ریاست تعلیم و قرائت در زمان ورش به او رسید (ابن الجزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۲). ابو سعید از صوتی خوش، قامتی کوتاه، صورتی سرخ و سپید و اندامی نزدیک به چاقی برخوردار بوده و استادش نافع لقب ورش را به خاطر سپید رویی‌اش بر وی نهاد. و گفته شده که هنگام قرائتش بسیاری از شنوندگان از هوش می‌رفته‌اند (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۸۸). او علاوه بر قرائت، در علوم عربی و تجوید مهارت داشته است (ذهبی ۱۴۱۰: ج ۹، ۲۹۵). ابن جزری می‌نویسد:

با مهارتی که در عربی و معرفت تجوید و علم قرائت قرآن داشت کسی در این باب با وی نزاع ننموده است (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۱۳۳؛ زنجانی [بی‌تا]: ۱۰۵).

ورش در حدود چهل و پنج سالگی به مدینه مسافرت می‌کند و در آن شهر به سال ۱۵۵ ق، چند ختم قرآن بر نافع^۴، از قراء سبعة، عرضه می‌دارد. ابن جزری به حکایت معروفی در زمینه راه یافتن ورش به محضر استاد اشاره می‌کند. این جریان به تفصیل در برخی کتب قرائت ذکر شده است. عثمان بن سعید در مدت یک ماه چهار ختم قرآن بر

۱. ابن الجزری گوید قبر او را در «القرافة الصغرى» در مصر زیارت کرده است، اگرچه به این انتساب به دیده شک می‌نگرد (۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳). القرافة الصغرى مقره اهل مصر است: نک. حموی، ۱۳۹۹: ج ۴، ۳۱۶.

۲. قیروان در ۶۷۰ میلادی بنا شده. پایتخت اغانیه و فاطمیون بوده است. مرکزی تجاری، زراعی و سیاحتی است، و ازهری آن را معرپ کاروان فارسی دانسته است. (حموی ۱۳۹۹: ج ۴، ۴۲۰؛ معلوف ۱۹۶۸: ج ۲، ۵۵۹).

۳. در قلموس کتاب مقدس از این شهر چنین یاد شده است: قیروان یا قیریش شهری در ۲۲۴ کیلومتری شرق بنغازی می‌باشد، این شهر پایتخت «کیرینیکا» بوده است و اینک «شحات» خوانده می‌شود و پیش‌تر کورینیا نامیده می‌شده است و از مراکز تمدن به شمار می‌آمده است (۷۵۲). بنابراین بعید است که نظر ازهری مبنی بر فارسی بودن واژه مقرون به صحت باشد. ۳. شیخ القراء المحققین و امام اهل الاداء المرتلین

۴. ابو رویم، نافع بن عبدالرحمن بن ابی نعیم (حدود ۱۶۹-۷۰ ق)، پیشوای مردم مدینه در قرائت و ریاست تعلیم قرآن به او منتهی شده است. مردم پس از تابعین به او روی آورده، نافع نزد هفتاد تن از تابعین قرآن را قرائت نموده و زیاده از این تعداد را تعلیم قرآن داده است. مالک بن انس قرائت او را سنت دانسته است و ابن حنبل قرائت مردم مدینه را محبوب‌ترین قرائت می‌داند، مکی بن ابی طالب قرائت او را صحیح‌ترین قرائت از جهت سند می‌داند نافع در اصل اصفهانی است و صاحب التمهید از ابن نسبت، تا حدی تشیع او را استنباط نموده است. وی و ابن کثیر به الحرمیان معروفند (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۸۰، ۸۲، ۱۳۰؛ زرکلی ۱۹۹۲: ج ۸، ۱۵۰؛ زنجانی [بی‌تا]: ۱۰۲؛ معرفت ۱۳۶۶: ج ۲، ۲۲۲).

نافع عرضه می‌دارد و از نافع روایت است که قبل از خارج شدنش از مدینه دو ختم قرآن را بر او قرائت کردم. او سپس به مصر مراجعت نمود و ریاست تعلیم قرآن در آن زمان به او منتهی گردید (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳؛ محیسن ۱۴۱۲: ۶۰۶).

ورشان یا ورش لقبی است از سوی استاد، و عثمان بن سعید آن را بسیار دوست داشته و بیان می‌داشت که استادم نافع مرا به این نامیده است (ذهبی ۱۴۱۰: ج ۹، ۲۹۵؛ ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳).

ذهبی، ورش را در طبقه پنجم از علماء قرائت ذکر کرده است و او را ثقه و در قرائت حجت می‌داند (ذهبی ۱۴۱۰: ج ۹، ۲۹۵). ابن جزری نیز همانند ذهبی از او یاد کرده و با عنوان «شیخ القراء المحققین و امام اهل الاداء المرتلین» از او سخن می‌گوید (همو: ج ۱، ۵۰۲؛ خوبی ۱۴۰۱: ج ۱، ۱۲۰).

سمعانی او را از قراء معروف که مشهور به قرائتش است می‌داند^۱ (۱۹۹۲: ج ۵، ۵۹۱). از کلام سایر نویسندگان نیز به بزرگی او در قرائت قرآن پی می‌بریم (محیسن ۱۴۱۲: ۶۰۸؛ زرکلی ۱۹۹۲: ج ۴، ۲۰۵).

سیوطی آورده است که قرائات در سرزمین‌ها منتشر و پراکنده و از هر قاری دو راوی مشهور شدند. او راویان نافع را قالون^۲ و ورش معرفی می‌نماید (سیوطی ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۳۰). قرائت ورش در طول تاریخ مورد توجه قاریان قرار گرفته و هم‌اکنون نیز در کشورهای مسلمان آفریقا بدان توجه می‌شود و قرآن‌هایی چاپ شده است که در برگزیده اصول قرائت وی است. (محیسن ۱۴۱۲: ۶۰۸).

ورش، نه تنها از نافع، بلکه به واسطه برخی دیگر از قراء سبعة نیز روایت می‌کند که بنا بر نقل هذلی در کامل بدین ترتیب است: از عاصم به واسطه حفص، از ابن عامر به واسطه عبدالله بن عامر کزیزی و اسما عیل القسط و عباس بن الولید، از ابو عمرو به واسطه عبدالوارث، از حمزه به واسطه حمزة بن قاسم الاحول. ابن جزری در صحت این

۱. سمعانی آورده که ورشی نسبت به اوست و ابو عبدالله محمد بن احمد المقرئ الورشی المغربی را به عنوان نمونه ذکر می‌کند (۱۴۰۸: ج ۵، ۵۹۱).

۲. ابوموسی عیسی بن مینا (۱۲۰-۲۲۰ ق) معروف به قالون، از قراء معروف، مولد و وفات او در مدینه واقع شده است، در زمانش ریاست در علوم عربی و قرائت حجاز به او منتهی گشته. قالون گوش ناشنوا داشته که با مشاهده لب‌های قاری، قرائت او را تشخیص می‌داده است. این لقب به رومی «نیک» معنا می‌دهد و نافع وی را به آن ملقب ساخته بود، گفته‌اند که قالون ریب نافع بوده است (زرکلی ۱۹۹۲: ج ۵، ۱۱۰؛ خوبی ۱۴۰۱: ۱۳۹ زنجانی [بی تا] ۱۰۵).

سخن تردید کرده و آن را صحیح نمی‌داند (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۲). گروهی بسیار، قرآن را بر ورش عرضه نموده‌اند و از شاگردان وی محسوب می‌شوند، از جمله احمد بن صالح الحافظ (م ۲۴۸ ق)، ابو سلیمان مصری داود بن ابی طیبة، ابو ربیع سلیمان بن داود مهری (معروف به ابن اخی رشدینی)، عامر بن سعید ابو اشعث جرشی، عبدالصمد بن عبدالرحمن بن قاسم عتقی، عمرو بن بشار، محمد بن عبدالله بن یزید مکی، یوسف ابو یعقوب الازرق، یونس بن عبدالاعلی و ابو مسعود الاسود اللون (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳؛ ابن ماکولا [بی تا]: ج ۷، ۳۹۲؛ ذهبی ۱۴۱۰: ج ۹، ۲۹۶؛ همو ۱۴۱۰: ج ۱۶، ۱۶۰، ج ۱۹، ۱۵۹؛ ابن خلکان ۱۹۷۷: ج ۷، ۲۵۰؛ محیسن ۱۴۱۲: ۶۰۸).

در این بین، دو طریق اُزرق و اصفهانی، از روایت ورش از قرائت نافع، مورد اهتمام جدی دانشمندان قرائت قرار گرفته است (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۷۲؛ دمیاطی ۱۴۱۹: ج ۱، ۹). نخست طریق یوسف بن عمرو، ابو یعقوب مصری معروف به ازرق (م حدود ۲۴۰ ق) برای مدتی طولانی ملازم و همراه ورش بوده است و به نیکویی قرائت را از وی فرا گرفته است. او در مصر جانشین ورش در آقراء بوده است (ذهبی ۱۴۱۰: ج ۱۷، ۴۲۱؛ همو ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۸۱). و طریق محمد بن عبدالرحیم مشهور به اصفهانی (م ۲۹۶ ق)، دانی او را پیشوای زمان خویش در قرائت نافع به روایت ورش دانسته است. او بر گروهی از شاگردان ورش از جمله ابو اشعث، قرآن را تلاوت کرده است و از یونس بن عبدالاعلی، قرائت ورش را فرا گرفته است (ذهبی ۱۴۱۰: ج ۱۴، ۸۰).

ابن جزری در غایةالنهاية، آن هنگام که شرح حال اصفهانی را می‌نویسد، تفاوت طریق او از طریق ازرق را در عدم ترقیق راء و تغلیظ لام و اماله و مدّ طویل می‌داند. نویسندگان بسیاری در خصوص قرائت ورش دست به قلم برده‌اند و درباره ویژگی‌های قرائت وی و تفاوت‌های آن با دیگر قرائات کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند و برخی نیز قرائت ورش را به نظم درآورده‌اند. این اهتمام خود، اهمیت ویژه ورش در نزد عالمان دانش قرائت را نشان می‌دهد. برخی از این نوشته‌ها که از آنها نشانی داریم به قرار زیر است:

۱. الأصول فی قراة ورش اثر مقرئ و ادیب شافعی أبو الحسن، علی بن محمد أنطاکی (م

۳۷۷ هـ) (کحالة یبی تا]: ج ۷، ۱۸۴)؛

«اختیار» ای دارد که در آن با نافع همداستان نیست و همو و نیز ذهبی از یونس بن عبد الا علی نقل کرده‌اند:

در قرائت خود کلمات را می‌کشید و تشدید می‌داد و اعراب را بیان نموده و شنونده را ملول نمی‌کرد (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳؛ ذهبی ۱۴۱۰: ج ۹، ۲۹۶؛ خوئی ۱۴۰۱: ۱۲۰). این سخنان به خوبی می‌رساند که ورزش روشی مخصوص به خود داشته که گاه با قرائت استادش نافع نیز هماهنگ نبوده است.

ابن جزری، از ورزش با عبارت «شیخ القراء المحققین» یاد کرده است (۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۲) و سیوطی، تحقیق را راه و روش حمزه و ورزش در قرائت قرآن کریم دانسته است (۱۴۰۷: ج ۱، ۳۱۳). تحقیق که یکی از سه شیوه قرائت قرآن کریم است،^۲ به این معنی است که قاری، هر حرف را بدان گونه که شایسته تلاوت است، تلاوت کند. این راه با اشباع مد، تحقیق همزه،^۳ به کمال ادا کردن حرکت‌ها و تشدیدها، آشکار بیان کردن حروف و جدا ساختن آنها از یکدیگر و رعایت وقف‌ها صورت می‌پذیرد^۴ (همان: ج ۱، ۳۱۲). و نیز اصولی به عنوان اصول قرائت ورزش ذکر شده است: او قرآن را به مدّ طویل می‌خواند و حروف لین را در صورتی که پس از آن همزه باشد، مدّ می‌داد و حرکت همزه را به حرف صحیح ساکن ماقبلش نقل می‌داد (محیسن ۱۴۱۲: ۶۰۸).

نویسندگان این نوشتار تلاش نموده‌اند تا با استناد به قرائت‌های نقل شده از ورزش در کتب قرائت و تفسیر و نیز با بررسی قرائت ورزش در دو سوره نخست قرآن، به آراء او در حوزه قرائت قرآن کریم دست یابند. نتیجه بررسی به این قرار است.

۱. اختیار بدین معناست که قاری قرائتی را برگزیند و آنرا بر سایر قراءات ترجیح داده و بر آن مداومت کند تا به آن معروف و مشهور شود. و این نسبت دادن قرائت به او اضافه اختیار و دوام و لزوم است نه اضافه اختراع و رای و اجتهاد (نقل به اختصار از ابن جزری [بی‌تا]: ج ۱، ۶۹).
۲. دوازه دیگر قرائت، حدر و تدویر است (سیوطی ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۱۳).
۳. تحقیق همزه، ادا کردن همزه به گونه‌ای است که شایسته آن است. (ابراهیم مصطفی ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۸۸).
۴. هو اعطاء کل حرف حقه من إشباع المد و تحقیق الهمزة و إتمام الحركات و اعتماد الإظهار و التشديدات و بیان الحروف و تفکیکها و إخراج بعضها من بعض بالسکة و التریل و التزدة و ملاحظة الجائز من الوقوف بلا قصر و لا اختلاس و لا إسکان محرک و لا إدغامه.

۲. الرسالة الى اصحاب الانطاکی فی تصحیح المدّ لورش اثر مکی بن ابی طالب^۱ (ابن خلکان ۱۹۷۷: ج ۵، ۲۷۶).
۳. نگاشته‌ای در بیان مذهب ورزش در تخمیر لام و ترقیق آن از فقیه و مقرئ مصری، أبوالباس، أحمد بن محمد صدفی شاطبی، معروف به ابن خضر (م ۶۷۴ ق) (کحالة [بی‌تا]: ج ۲، ۹۱) و بنا به گزارش زرکلی، وی دو کتاب را در قرائت ورزش به رشته تحریر درآورده است (همو: ج ۱، ۲۲۰).
۴. بلوغ الأمانی فی قراءه ورزش من طریق الأصبهانی، نگاشته نحوی و فقیه شافعی، أحمد بن أحمد طیبی، (م ۹۷۹ ق)، (کحالة [بی‌تا]: ج ۱، ۱۴۶).
۵. منظومه‌ای در قرائت ورزش، سروده قفه شافعی، محمد بن حسن معروف به منیر سنودی (متوفی ۱۱۱۹ ق) (زرکلی ۱۹۹۲: ج ۶، ۹۲).
۶. منظومه‌ای همراه با شرح در قرائت ورزش اثر مقرئ شافعی، أحمد بن محمد خلوانی (متوفی ۱۳۰۷ ق) (کحالة [بی‌تا]: ج ۲، ۱۳۴؛ زرکلی ۱۹۹۲: ج ۱، ۲۴۷).
۷. مقدمه فی قراءه ورزش همراه با شرحی از خود نویسنده به نام فتح المعطی و غنیه المقرئ، نگاشته محمد بن أحمد مشهور به متولی (متوفی ۱۳۱۳ ق) از دانشمندان قرائت و قاری به نام مصر. وی در اثر دیگری به نام منظومه فی القراءات، متن رساله ورزش را به نظم درآورده است (سرکیس ۱۴۱۰: ج ۲، ۱۶۱۷؛ زرکلی ۱۹۹۲: ج ۶، ۲۱).
۸. المسائل النجودیه اثر شیخ عبدالکریم مراد که در بردارنده قرائت حفص و قرائت ورزش و محل اختلاف بین آن دو است (سرکیس ۱۴۱۰: ج ۲، ۱۲۹۲).

۲. کیفیت قرائت ورزش

ابویعقوب ازرق اظهار می‌دارد: ورزش پس از آنکه به دانش نحو احاطه پیدا کرد کیفیتی ویژه خویش را در قرائت برگزید که مقرر و ورزش خواننده می‌شود: «أَنَّ وِشاً لَعَا تَعَمَّقَ فِي النُّحُو اتَّخَذَ لِنَفْسِهِ مَقْرَأً يَسْمَعِي مَقْرَأً وَرِشاً»، وی ادامه می‌دهد: «أَبَا سَعِيداً دَوَسْتُ دَارِمَ كَيْ تَنْهَى قِرَاءَتَهُ نَافِعَ رَأَى بَرَاءً كُنِي تَهْ أُنْجَحَ رَأَى بَرَاءً كُنِي تَشْخِصَ دَادَهُ أَيْ (ذهبی ۱۴۱۰: ج ۱۷، ۴۲۱). و نیز ابن جزری آورد که ورزش

۱. مکی بن ابی طالب (م ۲۳۷ ق) مقرئ و از دانشمندان تفسیر و دانش عربی بوده است. وی به سال ۲۵۵ در قیروان زاده شده و در قرطبه از دنیا رفته است. از معروف‌ترین آثار وی، مشکل اعراب القرآن است او کسی چند از جمله بصره در علم قرائت را نوشته است (نک. زرکلی ۱۹۹۲: ج ۷، ۲۸۶).

۱-۲. امالة

امالة، میل دادن فتحه به سوی کسره و الف به سوی یاء است، و بر دو قسم شدید (المحضة، الضجاع، البطح) و متوسط (التقلیل، بین بین، التلطیف) است و هر دو در قرائت جایز است. ابن جزری و سیوطی از دانی نقل می‌کنند که فتح و امالة هر دو مشهورند؛ فتح لغت اهل حجاز، و امالة لغت عامه اهل نجد است. امالة بدون هیچ شکی از احرف سبعة و از لحن عرب و اصوات آنان است (ابن جزری [بی تا]: ج ۲، ۳۶، سیوطی ۱۴۰۷: ۲۸۴). جاری ساختن اماله از ویژگی‌های بارز ورش در قرائت قرآن است و همین ویژگی است که قرائت او را از دیگر قرائت‌ها متمایز می‌سازد. ورش در مواردی امالة را در حالت وقف اعمال می‌نماید، ولی غالباً چنین نیست. وی فقط در سوره بقره ۱۵۲ بار امالة را جاری ساخته و تنها در ۱۳/۸ درصد امالة را هنگام وقف جاری کرده و در ۸۶/۲ درصد این شرط رعایت نشده است.^۱ برخی از کلمات که ورش به امالة خوانده، عبارت است از: أَبْصَارِهِمْ (بقره: ۲۰)، استوی (بقره: ۲۹)، موسی (بقره: ۵۱) و السَّلْوَى (بقره: ۵۷) (مختار عمر ۱۴۱۲: ۱، ۳۶، ۴۰، ۵۶، ۵۸).

۲-۲. مدّ و قصر و توسط

مدّ، کشیدن حرف مدّی بیش از حدّ طبیعی آن است، به صورتی که حرف مدّ به خودی خود چنین زیادی را نمی‌طلبد. قصر، باقی گذاشتن حرف مدّ بر حالت طبیعی آن است (سیوطی ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۰۲). بین قاریان برجسته در خصوص میزان مدّ اختلاف دیده می‌شود. کم‌ترین حدّ آن به اندازه ۱/۵ الف به سوسی، و بیشترین آن به حمزه و ورش نسبت داده شده است (زرکشی ۱۹۵۷: ج ۱، ۲۲۴).

بنا به گزارش زرکشی، ورش به اندازه شش حرکت^۲، حروف را مدّ می‌داد و بنا به گفته دانی، در میان قاریان، ورش و حمزه، در هر مدّی (اعم از متصل و منفصل)، بیش از

۱. نافع در کلمات دو سوره نخست قرآن کریم امالة را جاری نساخته و قالون تنها در کلمه بِالْهَدْيِ (بقره: ۱۶) همانند ورش به امالة خوانده است.

۲. زرکشی از «قیل» از نسبت مدّ به اندازه چهار حرف یا پنج حرف به ورش یاد می‌کند (زرکشی ۱۹۵۷: ج ۱، ۳۱۹) و نیز درباره میزان مدّ به وسیله ورش، نک. سیوطی ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۰۵-۳۰۲.

همه حروف را مدّ می‌داده‌اند و عاصم کمتر از آنها مدّ می‌داده است؛ أطولهم مدّاً فی الضربین جمعاً، ورش و حمزة، و دونهما عاصم (دانی ۱۴۰۴: ۲۵؛ زرکشی ۱۹۵۷: ج ۱، ۲۲۴؛ ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳؛ محیسن ۱۴۱۳: ۶۰۸).

رضی استرآبادی (حدود ۴۸۶ق) مذهب ورش در مدّ به هنگام وقف کلماتی همانند «الموت» و «الحسنین» را قرائتی منحصر به او دانسته است (۱۹۷۵: ج ۱، ۴۰۳).

در دو سوره نخست قرآن کریم، قرائت ورش جمعاً در هفت مورد (در بحث مدّ) با آنچه در قرائت عاصم مشاهده می‌کنیم، تفاوت دارد. ورش کلمه شیء را در بقره: ۲۰ و ۱۰۶ به مدّ مشبع و در بقره: ۲۰ به توسط خوانده است. اَلْتُمْ (بقره: ۱۴۰) را مدّ طویل داده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۶، ۱۰۱، ۱۲۱)؛ تَبْرَهُوا (بقره: ۱۶۷) را به هر سه صورت مدّ، توسط و قصر خوانده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۳۳)؛ اَلْقُرْآنُ (بقره: ۱۸۵) را به قصر تلاوت کرده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۴۴)؛ و اسرائیل (بقره: ۴۷) را بدون مدّ قرائت کرده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۵۳).

۳-۲. تشدید

یونس بن عبدالاعلی، مشدد ساختن کلمات در قرائت را از ویژگی‌های قرائت استاد خود، ورش، می‌داند (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳). دانی (م ۴۴۴ق) تشدید یاء در اِنَّمَا النَّسِيءُ (توبه: ۳۷)، بدون همزه را به ورش نسبت داده است (ص ۸۵). و بنا به گزارش شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)، ورش کلمات فَتَحْنَا (انعام: ۴۴)، لَفَتَحْنَا (اعراف: ۹۶)، فَبَيَّحْنَا (انبیاء: ۹۶) و فَفَتَحْنَا (قمر: ۱۱) را به تشدید تاء تلاوت کرده است (التبيان: ۴، ۱۳۷). در مجموع آیات دو سوره نخست قرآن کریم قرائت ورش از این جهت تنها در یک مورد با قرائت عاصم تفاوت دارد و آن در وَلَا تَتَّبِعُوا (بقره: ۲۶۷) است که به تشدید تاء^۲ تلفظ کرده است^۳ (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۰۸).

۱. درباره توسط و ترک آن در واژگانی که همراه بیش از حرف مدّ قرار دارد، بنا به روایت ابویعقوب از ورش، نک. دانی، ۲۶.

۲. البیاضی راوی این کثیر، تاء را در ۲۱ مورد و از جمله کلمه تیسماً مشدد کرده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ۲۰۸).

۳. نافع کلمات تَنْظُرُونَ (بقره: ۸۵) و تَصَدَّقُوا (بقره: ۲۸۰) را به تشدید ظاء و صاد تلفظ کرده است و آمايِع (بقره: ۷۸) را آمايِع خوانده است. از قالون نظری مخالف نص مصحف در این دو سوره دیده نمی‌شود.

۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۸) و قالون در یک مورد چنین کرده است (همو، ج ۱، ۱۴۸).
گاهی نافع و قالون، هاء «هَو» را ساکن می‌کنند و قالون، هاء «هِی» را نیز به سکون می‌خواند و در مواردی، هاء «هِم» را مضموم تلفظ می‌نماید، همانند قرائت علیهم به علیهم یا علیهمو (همو، ج ۱، ۱۲، ۱۳، ۴۱، ۷۳، ۲۱۱، ۲۲۲).

۲-۷. تغییر حروف

ورش همانند استاد خود، تُثْبِتُهَا (بقره: ۲۵۹) را به راء خوانده است و گاهی نیز یاء را حذف می‌کند، همانند اسرائیل به جای اسرائیل (بقره: ۴۷) (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۸، ۵۱، ۲۰۰). ولی نافع در دو سوره نخست، جمعاً شانزده مورد مخالف مصحف قرائت کرده است (همو، ج ۱، ۵۹، ۸۴). آنچه نافع به تغییر آن اقدام کرده است عبارت است از:

تغییر حروف مضارع (همو ج ۱، ۱۳۲، ۵۹، ۲۱۲)؛ تغییر ابواب فعل (همو: ج ۱، ۲۶، ۱۱۶)؛ تبدیل مفرد به جمع (همو: ج ۱، ۱۴۲)؛ حذف همزه وصل و واو جمع (همو: ج ۱، ۷۲)؛ اضافه برخی حروف (همو: ج ۱، ۹۲، ۹۳)؛ قرائت صاد به جای سین (همو: ج ۱، ۱۹۱، ۱۸۵). در این دو مورد قالون با استاد خود هم رأی است. مشاهده می‌شود که ورش نسبت به نافع، بسیار کمتر اقدام به تغییر حروف کرده است.

۲-۸. اشباع

ورش، گاهی واژگانی از قرآن کریم را به اشباع کسره خوانده است. برخی از این موارد عبارت است از: قرائت مَالِکِ (فاتحه الکتاب: ۴) به مَلِکِ، اُزْجَة (اعراف: ۱۱۱) شعراء: (۳۶) به اُرْجَهِی و یَتَّقُهُ (نور: ۵۲) به یتقی (طوسی [بی تا] ج ۴، ۴۹۵، ج ۷، ۴۵۲؛ دمیاطی ۱۴۱۹: ج ۱، ۴۰۲، ۵۷۹).^۱

۲-۹. اثبات یاء متکلم و منقوص

بعضی از قاریان کلماتی را که یاء متکلم و منقوص آنها حذف گردیده است، به اثبات یاء

۱. درباره اختلاف در قرائت هاء متصل به افعال مجزوم نکه ابن مجاهد ۱۴۰: ۲۱۲-۲۰۷.

قرائت می‌کنند، با این تفاوت که گاه یاء را در دو حالت وقف و وصل اثبات می‌کنند و گاهی در حالت وصل چنین عمل می‌کنند.

برای نمونه نافع، الدَّاعِ و دَعَانِ (بقره: ۱۸۶) را در وقف و وصل به اثبات یاء خوانده است، ولی ورش و قالون در حالت وصل به اثبات یاء قرائت کرده‌اند. اگرچه قالون در «الداع» با استاد خویش نیز هم رأی است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۴۵، ۱۴۶). در آیات ۶ و ۸ سوره قمر، ورش، نافع و قالون، یاء در «الداع» را در حالت وصل اثبات کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۹، ۳۰۸، ۷، ۳۲-۳۰) و در الرحمن: ۴۲ و التکویر: ۱۶ هر سه «الحوار» را بدون یاء قرائت کرده‌اند (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۴۹، ۷، ۸، ۸۵). ورش، به هنگام وصل «فَاغْتَرَبُونَ» (دخان: ۲۱) را به اثبات یاء خوانده است (همو: ج ۶، ۱۳۹)، اما در برخی کلمات نظیر «اطیعون»، (آل عمران: ۵۰)، «فارسلون»، (یسوف: ۴۵)، «فارهون» (نحل: ۵۱) هیچ کدام از آنها یاء را اثبات نکرده‌اند (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۶: ج ۳، ۱۷۳، ۲۸۳). چنین به نظر می‌رسد که در این خصوص این قاریان از قانون واحدی در اثبات یا عدم اثبات یاء متکلم و منقوص پیروی نکرده‌اند.

۲-۱۰. تخفیف

دگرگونی‌هایی که از سوی قراء در کلمات مهموز صورت می‌گیرد فراوان بوده و این کلمات به صورت‌های گوناگون قرائت شده است. تخفیف، تلبین و یا تسهیل عناوینی هستند که همگی دلالت بر تخفیف همزه دارد. نقل، ابدال، تسهیل و اسقاط همزه، چهار نوع از تخفیف به شمار می‌روند (زرکشی ۱۹۷۵: ج ۱، ۲۲۵-۲۲۴).

۲-۱۰-۱. نقل

القاء حرکت همزه به ساکن ماقبلش را نقل می‌نامند. نقل، مذهب ورش است. وی ساکن را به حرکت همزه‌ای که پس از آن قرار گرفته متحرک می‌نمود و همزه را از لفظ ساقط می‌کرد. نقل، وقتی رخ می‌دهد که ساکن، غیر حرف مدّ و لین باشد و آخر کلمه قرار گیرد و همزه در ابتدای کلمه بعد واقع شود، همانند کَفُّوا أَحَدًا. زرکشی، نقل را روایت ورش از نافع در هر دو صورت وصل و وقف دانسته است (همو، ج ۱، ۲۲۵؛ مختار عمر ۱۴۱۲:

ج ۱، ۱۳۳). برخی از مواردی که ورش به این روش عمل نموده، عبارت است از: بِالْآخِرَةِ (بقره: ۴)، خَلُّوا إِلَى (بقره: ۱۴)، قَالُوا لَنْ (بقره: ۷۱)، قَالَتْ (بقره: ۱۸۷)، عَنِ الْأَيْهَةِ (بقره: ۱۸۹).

۲-۱۰-۲ ابدال

تبدیل همزه به حرف مدّی از جنس حرکت حرف قبل از آن، از دیگر راه‌های تخفیف به شمار می‌رود. در این هنگام همزه به الف، واو و یاء تبدیل می‌گردد. روایت ورش از نافع در فاء الفعل کلمات بنابراین روش است (زرکشی ۱۹۵۷: ج ۱، ۲۲۵). او همچنین در سه واژه بشر، بنس و الذئب، عین الفعل را به یاء تبدیل کرده است (شاطبی ۱۴۰۷: ج ۱: ۴۰).

الف) ابدال همزه به الف

ورش در مواردی همزه را به الف تبدیل کرده است، همانند أَنْذَرْتَهُمْ (بقره: ۶)، أَنْتُمْ (بقره: ۱۴۰)^۱ و يَأْتُوكُمْ (بقره: ۸۵) به یاتوکم (به ابدال همزه و ضم و مدّ میم)، يَأْتُرْكُمْ (بقره: ۹۳) به یامرکم و وَأَتُوا (بقره: ۱۸۹) به اوتوا (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۱، ۲۲، ۸۲، ۸۸، ۱۴۹).

ب) ابدال همزه به واو

نافع و هر دو راوی او در کلماتی، همزه را به واو تبدیل کرده‌اند. چند نمونه از کلماتی که ورش آنها را تبدیل کرده عبارت است از: تَوَمَّرُونَ (بقره: ۶۸) به تومرون، يُوَاخِذْكُمْ (بقره: ۲۲۵) به یواخذکم، يُوَلُّونَ (بقره: ۲۲۶) به یولون، الشَّهَادَةُ إِذَا (بقره: ۲۸۲) به ابدال همزه اذا به واو خالص مکسور، قَلْبُودٌ (بقره: ۲۸۳) به ابدال همزه به واو مفتوح، لَا تُوَاخِذْنَا (بقره: ۲۸۶) به ابدال همزه، واو مفتوح و تبدیل آن به الف (مختار عمر، ۱، ۶۹، ۱۷۲، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۳۲). وی همچنین همزه رؤیا را در همه جای قرآن کریم به واو ساکن تبدیل کرده است (دمیاطی ۱۴۱۹: ج ۱، ۱۰۲؛ طوسی، ۶، ۹۶).

ج) ابدال همزه به یاء

ورش در سه مورد بشر، بنس و ذئب، همزه عین الفعل را به یاء تبدیل کرده است (شاطبی ۱۴۰۷: ج ۱، ۴۰). ابدال در واژه ذئب را می‌توان در گزارش شیخ طوسی (م)

۱. از ورش قرائت دیگری در «انتهم» و «انذرتهم» آمده است. (مختار عمر ۲۱۲: ج ۱، ۲۱، ۲۲).

۴۶۰ ق)، ابن جزری (م ۸۳۳ ق) و دمیاطی (م ۱۱۱۷ ق) از قرائت ورش یافت (طوسی، ۶، ۱۰۷؛ النشر ابن جزری، ۱۴۰۲، ۱۴۴۶؛ دمیاطی ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۰۵، ۴۶۷). وی همچنین همزه دوم هُوَلَاءِ (بقره: ۳۱) را به یاء تبدیل کرده است.^۱

۲-۱۰-۳ تسهیل

تسهیل نوعی از تخفیف همزه به صورت ادای بین‌بین آن است، به این معنی که قاری، کلمه را بین قرائت همزه و قرائت حرفی می‌خواند که از جنس حرکت همزه دیگر است. (زرکشی ۱۹۵۷: ج ۱، ۲۲۵؛ ابراهیم مصطفی و دیگران ۱۴۱۱: ج ۱، ۴۵۸).

۱. اگر هر دو همزه، مفتوح باشند، همانند انتهم، حرمیان (ابن کثیر و نافع)، ابو عمرو و هشام، همزه دوم را به تسهیل می‌خوانند و ورش همزه دوم را به الف تبدیل می‌کند و قالون، الفی را قبل از همزه دوم وارد می‌کند.

۲. در صورتی که یکی مفتوح و دیگری مکسور باشد، همانند اذاکنا، حرمیان و ابو عمرو دومی را تسهیل می‌کنند و قالون و ابو عمرو قبل از همزه دوم الف می‌آورد و بقیه به تحقیق می‌خوانند.

۳. اگر یکی مفتوح و دیگری مضموم باشد، حرمیان و ابو عمرو دومی را تسهیل می‌کنند، قالون الف را بین آنها وارد می‌کند و بقیه، هر دو همزه را به تحقیق می‌خوانند (سیوطی ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۰۹؛ مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۳۳) به نقل از دانی).

اینک به برخی از قرائات نافع و ورش و قالون در این زمینه اشاره می‌شود.

الف) مفتوح بودن هر دو همزه

أَنْذَرْتَهُمْ (بقره: ۶). هر سه آن را به تسهیل همزه دوم و وارد کردن الف میان دو همزه قرائت کرده‌اند: آنذرتهم. اگرچه از ورش دو قرائت دیگر نیز رسیده است:

۱. تسهیل همزه دوم بدون وارد ساختن الف؛ ۲. ابدال همزه دوم به الف^۲ (مختار عمر، ۱، ۲۱).

۱. برخی دیگر از مواردی که ورش آنها را تبدیل کرده است عبارت‌اند از: بنس و بنسما (بقره: ۹۰، ۸۳) و لئلا (بقره: ۱۵۰).

۲. زمخشری، بدون نام بردن از ورش، این قرائت را لحن و خارج از کلام عرب می‌داند (۱۴۲۶: ج ۱، ۴۱)، اما ابوحيان قرائت ورش را صحیح می‌داند (ج ۱، ۱۷۵).

— أَلْتُمْ (بقره: ۱۴۰). دو قرائت از ورش دربارهٔ اَلْتُمْ رسیده است: ۱. تسهیل همزهٔ دوم بدون وارد ساختن الف؛ ۲. ابدال همزهٔ دوم به واو و مد طویل همراه با سکون نون. قالون به تسهیل و وارد ساختن الف قرائت کرده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۴۵).
 — جَاءَ أَجْلُهُمْ (اعراف: ۳۴). ورش به دو گونه قرائت کرده است: ۱. تسهیل همزهٔ دوم؛ ۲. ابدال همزهٔ دوم به الف خالص. قالون همزهٔ اول را انداخته است (همو: ج ۲، ۳۵۴).
 از بررسی این نمونه‌ها چنین برمی‌آید که این قاریان در تسهیل همزهٔ دوم رغبت بهتری نشان می‌داده‌اند.

(ب) مفتوح بودن یک همزه و مکسور بودن دیگری

— أَلَّةٌ (نمل: ۶۰). ورش به تخفیف^۱ همزهٔ دوم خوانده است و بین دو همزه الف را وارد نکرده است. نافع و قالون همزهٔ دوم را تلیین نموده‌اند، ولی الف را میان دو همزه وارد کرده‌اند (همو: ج ۴، ۳۶۲).
 — إِذَا (رعد: ۵). ورش به تسهیل و قصر قرائت کرده است و نافع و قالون با رعایت تسهیل به مد خوانده‌اند (همو: ج ۳، ۲۰۷، ۲۰۸).

(ج) مفتوح بودن یک همزه و مضموم بودن دیگری

— أَوْ تَبْتَئِكُمْ (آل عمران: ۱۵). نافع و ورش همزهٔ دوم را تسهیل کرده‌اند. نافع در قرائتی دیگر أَوْ تَبْتَئِكُمْ خوانده است و ورش در یک قرائت قُلْ أُتِبْتُكُمْ^۱ خوانده است. قالون به دو صورت أَوْ تَبْتَئِكُمْ و أَوْ تَبْتَئِكُمْ قرائت نموده است (همو: ج ۲، ۱۲).
 — جَاءَ أُمَّةٌ رَّسُولَهَا (مؤمنون: ۴۴). نافع، همزهٔ دوم را همانند او تسهیل کرده است و از ورش و قالون در این آیه قرائتی خاص ترسیده است (همو: ج ۴، ۲۱۳).
 — أَنْزَلَ (ص: ۸). نافع، ورش و قالون همزهٔ دوم را همانند او تسهیل کرده‌اند و الف را میان دو همزه نیاورده‌اند، اگرچه نافع و قالون در قرائتی دیگر همراه با تسهیل همزهٔ دوم، الف را بین آنها آورده‌اند (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۵، ۲۵۶).

۱. تخفیف نزد قراء و صریحون عبارت از سبک ادا کردن همزه است که گاهی به اسقاط همزه و زمانی به تبدیل آن به حرف مد و یاء و واو و گاه با ادا کردن بین آن صورت می‌گیرد (ابراهیم مصطفی و دیگران ۱۴۱۱: ج ۱، ۲۴۷).
 ۲. به نقل حرکت همزه اول به لام و حذف همزه

— أَلْقَى (قمر: ۲۵). نافع و ورش، همزهٔ دوم را تسهیل کرده‌اند و الف را میان دو همزه نیاورده‌اند، در صورتی که قالون به تسهیل همزهٔ دوم و وارد ساختن الف قرائت کرده است (همو: ج ۷، ۳۶).

(د) مکسور بودن هر دو همزه

— هُوَ لَا يُرَىٰ (بقره: ۳۱). ورش، آن را به دو نمونه خوانده است:

۱. تحقیق^۱ همزهٔ اول و تسهیل همزهٔ دوم بین بین؛
۲. تحقیق همزهٔ اول و ابدال همزهٔ دوم به یاء. از قالون نیز دو قرائت رسیده است: ا. تحقیق همزهٔ اول و حذف همزهٔ دوم؛
- ب. تسهیل همزهٔ اول و تحقیق دوم. نافع، به سکون همزهٔ اول و تحقیق همزهٔ دوم قرائت کرده است (همو: ج ۱، ۴۴-۴۳).

— بِالسُّوءِ إِلَّا (یوسف: ۵۳). ورش همزهٔ دوم را به حرف مد تبدیل کرده و با اشباع مد خوانده است: از قالون دو قرائت رسیده است:

۱. تسهیل همزهٔ اول، همانند یاء مکسور با مد و قصر؛
۲. ابدال همزهٔ اول به واو مکسور و ادغام دو واو (همو: ج ۳، ۱۷۷-۱۷۶).

(ه) مضموم بودن یک همزه و مکسور بودن دیگری

— السُّهْدَاءُ إِذَا (بقره: ۲۸۲). ورش اذا را به واو خالص مکسور تبدیل کرده و قالون همزهٔ اذا را مثل یاء، تسهیل نموده است (مختار عمر، ج ۱، ۲۲۴).
 — يَسَاءُ إِلَىٰ (بقره: ۱۴۲). از نافع دو قرائت نقل شده است (همو: ج ۱، ۱۶۴، ۱۲۲)، ولی از ورش و قالون در این مورد قرائتی خاص ترسیده است.

(و) مکسور بودن همزهٔ اول و مفتوح بودن دیگری

— مِنَ الْمَاءِ أَوْ (اعراف: ۵۰). نافع به المَاءِ یو قرائت نموده است (همو: ج ۲، ۳۶۶).

۱. تحقیق عبارت از ادا کردن همزه به طور شایسته است (ابراهیم مصطفی ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۸۸).

نتیجه

قرائت ورش، ابو سعید عثمان بن سعید مصری، مورد توجه دانشمندان علم قرائت گرفته است، چرا که در برگزیده اصول وقواعدی است که بیانگر حسن بیان و ذوق سلیم و تبحر علمی او است. جرئت قابل تحسین ورش در داشتن قرائتی مستدل، در عین برگزیدن قرائتی که گاه با قرائت استادش نافع، هماهنگ نیست، از «ورش» شخصیتی تا سر حد «حجت» در علم قرائت، ساخته است. دقت در قرائت ورش بیانگر این است که تفاوت قرائت وی با قرائت رایج دنیای اسلام، قرائت عاصم، بیشتر به مباحث تجویدی و نحوه خواندن آیه‌های قرآن بازمی‌گردد و به دخالتی آشکار در تغییر معنوی و یا حتی لفظی واژگان قرآن کریم منتهی نمی‌شود. (وَ آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.)

منابع و مأخذ

- ابن جزری، محمد بن محمد (۱۴۰۲)، غایة النهایه فی طبقات القراء، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- — [بی‌تا]، الشرح فی القراءات العشر، به تصحیح علی محمد ضباع، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۷۷)، وفيات الاعیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابراهیم مصطفی و دیگران (۱۴۱۱)، المعجم الوسیط، استانبول، دارالدعوة.
- ابن مجاهد، احمد بن موسی (۱۴۰۰)، کتاب السبعة فی القراءات، تحقیق: شوقی ضیف، القاهرة، دار المعارف.
- أبو حیان الأندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۲)، تفسیر البحر المحیط، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۱)، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الزهراء (س).
- دانی، عثمان بن سعید (۱۴۰۴)، التیسیر فی القراءات السبع، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ دوم.
- دیماطی، احمد بن محمد (۱۴۱۹)، إحفاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر، تحقیق: انس مهرة، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵)، لغت نامه، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۰)، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله.
- — (۱۴۰۷)، تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری،

بیروت، دار الکتب العربی، چاپ اول.

- — (۱۴۰۴)، معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الأعصار، تحقیق: بشار عواد معروف، شعیب الأرنؤوط و صالح مهدی عباس، بیروت، مؤسسة الرساله، چاپ اول.
- رضی أسترابادی، محمد بن حسن (۱۹۷۵)، شرح الرضی علی الکافیة، تهران، مؤسسة الصادق.
- زرکشی، محمد بن بهادر (۱۹۵۷)، البرهان فی علوم القرآن، [بی‌جا]، دار احیاء الکتب العربیه.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۹۲)، الاعلام، بیروت، دار العلم للملایین.
- زنجانی، ابو عبدالله [بی‌تا]، تاریخ قرآن، تهران، کانون خدمات فرهنگی الست.
- زمخشری، محمود (۱۴۲۶)، تفسیر الکشاف، بیروت، دار المعرفة.
- سرکیس، البیان (۱۴۱۰)، معجم المطبوعات العربیه، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- سمانی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۰۸)، الانساب، بیروت، دارالجنان.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۰۷)، الاتقان فی علوم القرآن، دمشق، دار ابن کثیر.
- شاطبی، القاسم بن فیره (۱۴۰۷)، حوز الأمانی و وجه الشهای فی القراءات السبع، بیروت، دارالکتب النقیس، چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن حسین (۱۴۱۵)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- کحالة، عمر [بی‌تا]، معجم المؤلفین، بیروت، مکتبه المثنی و دار احیاء التراث العربی.
- مختار عمر، احمد و عبدالعال سالم مکرم (۱۴۱۲)، معجم القراءات القرآنیة، تهران، اسوه.
- معرفة، محمد هادی (۱۳۶۶)، التمهید فی علوم القرآن، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- معلوف، لوئیس (۱۹۶۸)، المنجد، بیروت، دارالمشرق.
- محسن، محمد سالم (۱۴۱۲)، معجم حفاظ القرآن عبر التاريخ، بیروت، دارالجیل.
- مجمع الکنائس الشرقیة (۱۹۸۱)، قاموس الکتب المقدس، بیروت، مکتبه المشغل.
- همائی، عباس (۱۳۷۶-۱۳۷۵)، ورش وورش، مجلة صحیفه مبین، شماره‌های ۸، ۹، ۱۰.
- یاقوت حموی (۱۳۹۹)، معجم البلدان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.